



برتری آشکار دیدگاه‌های انسان‌شناختی قرآن بر سایر مکاتب/ قرآن تعالی بخش انسان است

حجت‌الاسلام ساجدی با مروری بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی مطرح شده در مکاتب مختلف روانشناسی گفت: در مقایسه این دیدگاه‌ها با دیدگاه‌های انسان‌شناختی قرآن، می‌توان دید که نظریات مکاتب مختلف دچار چه ضعف‌های آشکاری است.

حجت‌الاسلام ساجدی با مروری بر دیدگاه‌های انسان‌شناختی مطرح شده در مکاتب مختلف روانشناسی گفت: در مقایسه این دیدگاه‌ها با دیدگاه‌های انسان‌شناختی قرآن، می‌توان دید که نظریات مکاتب مختلف دچار چه ضعف‌های آشکاری است.

حجت‌الاسلام و المسلمین ابوالفضل ساجدی، مدیر قطب فلسفه دین ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، به بیان نکاتی در باب انسان‌شناسی قرآنی پرداخت و گفت: انسان‌شناسی را می‌توانیم از دیدگاه‌های متفاوتی مورد توجه قرار دهیم و احیاناً دیدگاه اسلام را با سایر مکاتب مقایسه کنیم و آن چه که در این مقایسه می‌یابیم، این است که انسان‌شناسی اسلام با این مکاتب فاصله زیادی دارد.

ساجدی با اشاره به ظهور و مطرح شدن مکاتب مختلف در روانشناسی بر اساس دیدگاه‌های انسان‌شناختی، عنوان کرد: در اولین نظریات انسان‌شناختی، بر نقش شناخت و اراده تأکید زیادی می‌شد، اما وقتی که گرایش‌های تجربی در غرب رشد پیدا می‌کند، غریزه و لذت محور شناخت انسان می‌شود و منشأ اصلی تمام فعالیت‌های انسان و حرکت‌ها و تلاش‌های او، مانند سایر حیوانات، غریزه است. نظریه‌های غریزه می‌گفتند که منشأ تمام فعالیت‌های انسانی غریزه است که نیرویی غیراکتسابی است که انسان را به حرکت می‌آورد.

وی با بیان این‌که با پیش رفتن این نگاه‌ها، نظریات مکانیکی و ماشین‌گرا مطرح می‌شود، عنوان کرد: در این نظریه‌ها وقتی که می‌خواهند انسان را تعریف کنند، نیروهایی را مطرح می‌کنند که از درون و برون بر او غالب می‌شود و خارج از کنترل است و در اختیار او هم نیست.

ساجدی با اشاره به اشکالات این نظریه‌ها، بیان کرد: البته نظریات غریزه‌گرا بعداً با دیدگاه‌های داروین که در زیست‌شناسی اضافه شد، تقویت شد و راه را برای یک نظریه مکانیکی افراطی در مورد انسان هموار کرد و اثرات زیادی نیز گذاشت و در نتیجه آن‌ها نگاه‌های خاصی در مورد فلسفه اخلاق و ارزش‌های انسانی مطرح شد.

عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) با اشاره به نظریه سائق که پس از آن و با رشد نظریه‌های روانشناختی طرح شده، عنوان کرد: این نظریه در توضیح رفتار انسان بیشتر بر نقش عوامل درونی او تکیه می‌کند و در عین حال نظریه‌های مبتنی بر مفهوم «سائق» بر حفظ تعادل حیات تأکید داشتند و می‌گفتند سائق نیرویی است که بر تعادل زیستی تکیه می‌کند. برای مثال بر اساس نظریات سائق، بدن انسان تمایل دارد که همیشه پایدار بماند و لذا اگر تغییری در وضعیت آن ایجاد شد، تلاش می‌کند و مکانیسمی در آن به کار می‌افتد که آن را به وضعیت اصلی برگرداند تا تعادل حیاتی در آن حاصل شود.

ساجدی با بیان این‌که در ادامه و در روند تکاملی نظریه‌های انسان‌شناختی مطرح شده در روانشناسی نوبت به دیدگاه‌های نیازمحور و انسان‌گرا رسید، بیان کرد: بر اساس دیدگاه‌های نیازمحور، آدم‌ها به دنبال نیازهایشان هستند و بر همین اساس حرکت می‌کنند. اما در نظریاتی که بعداً به تدریج رشد پیدا کرد، به ابعاد شناختی و گرایشی و ارادی انسان توجه بیشتری شد. مدیر قطب فلسفه دین ایران با اشاره به طرح متأخرتر دیدگاه‌های انسان‌گرا، به دیدگاه‌های مازلو به عنوان یکی از دیدگاه‌های انسان‌گرا اشاره کرد که نظریه خود را بر اساس مفهوم نیاز توضیح می‌دهد و در این مورد بیان کرد: نظریه مازلو تصویری را از روند تکامل انسان مطرح می‌کند و در واقع بیان می‌کند که انسانی که متکامل می‌شود و انسان متکامل به جای فکر کردن به نیازهای فروتر به نیازهای برتر فکر می‌کند و تعالی انسان در گرو توجه به نیازهای برتر است.

وی با اشاره‌ای مختصر به مفاد نظریه مازلو گفت: در نظریه مازلو، انسان ابتدا نیازهای فیزیولوژیک مانند نیاز به آب و غذا و ... دارد. بعد از تأمین این نیازها آن‌چه مطرح می‌شود، نیاز به ایمنی و رفع نگرانی است تا بتواند بدون ترس و واهمه در جامعه زندگی کند. از نظر مازلو ما بعد از حاصل شدن امنیت، به عشق و محبت و ارتباط عاطفی نیاز داریم و درجه بالاتر از آن نیاز به عزت نفس و احترام است. پس از آن نیز نیاز به خودشکوفایی است.

ساجدی ادامه داد: آقای مازلو آخرین نیاز را نیاز خودشکوفایی می‌داند و این یعنی انسانی که کامل شود، انسانی است که در صدد فعلیت بخشیدن به استعدادهای درون خودش است و می‌خواهد این‌ها به ظهور برسند. این به این معناست که اگر انسان می‌خواهد به انسانیت خود برسد، نباید در سطح نیازهای مادی محدود شود، بلکه باید به سراغ نیازهای بالاتر برود و هر میزان که به نیازهای فراتر بیندیشد، این انسان انسان کاملتری خواهد بود.

وی با بیان این‌که در همین دیدگاه مازلو که بسیار دیدگاه مطرح و برجسته‌ای در بررسی‌های انسان‌شناختی است، اشکالات زیادی وجود دارد، اظهار کرد: دیدگاه‌های انسان‌گرا و از جمله دیدگاه مازلو از دیدگاه‌های متأخر و رشدیافته هستند، اما وقتی که ما اسلام را با این دیدگاه‌ها و همین دیدگاه انسان‌گرا که از دیدگاه‌های متأخر و متکامل در انسان‌شناسی است، مقایسه

می‌کنیم، می‌بینیم که اسلام بسیار فراتر از این دیدگاه‌ها مطرح می‌شود و فاصله این دیدگاه را با دیدگاه انسان‌شناختی قرآن را بسیار زیاد می‌بینیم و او نمی‌تواند بیان منسجمی از آن ارائه بدهد.

ساجدی با بیان این‌که انسان کاملی که مازلو مطرح می‌کند، مشکلات زیادی دارد، بیان کرد: برای مثال از نظر اسلام ضرورتی نیست که حتماً نیازهای مادی شما در یک سطح خیلی خوب کاملاً برآورده شود تا بتوانید به سطوح بالاتر بیندیشید، بلکه به عکس می‌توانید به رغم فشارهای مادی به نیازهای برتر خود توجه کنید و لازم نیست که به سطح خیلی خوبی آن را اقناع کنید. شما می‌توانید حتی زندگی سختی هم داشته باشید چنان‌که در صدر اسلام یاران پیامبر(ص) در سختی‌های زیادی به سر می‌بردند، اما به سطوح متکاملی از تعالی انسانی و الهی دست پیدا کنید.

وی اضافه کرد: این نمونه‌ای بود از فاصله یکی از دیدگاه‌های انسان‌شناختی مهم و برجسته در بین مکاتب روانشناسی که دیدیم با انسان‌شناسی قرآن و شما می‌توانید در این مقایسه ببینید که این دیدگاه‌ها از چه ضعف‌های آشکاری رنج می‌برند و دیدگاه‌های انسان‌شناختی قرآن و اسلام چه توانایی بالایی در توضیح و توصیف انسان و تعالی بخشیدن به او دارند.